

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران  
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۸۲۶

ایسکرا

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۰۰۷۷۶۵۴ تلفن تماس با ما

۱۸ فروردین ۱۳۹۵، ۶ آوریل ۲۰۱۶

سردبیر عبدال کلپریان



کیوان جاوید

## مذهب، حکومت اسلامی و اعتیاد

شما آموزش بدهند. در این مورد بزرگترین باندها و کارتل های مواد مخدر جهان پیش سران جمهوری اسلامی شاگرد مدرسه هایی بیش نیستند. یک نمونه را در اعتراف این معاون وزیر مشاهده کنید: صفحه ۲

جمهوری اسلامی الحق در یک زمین بسیار موفق و با طرح و برنامه عمل می کند. اگر می خواهید جامعه را تخریب و به خاک سیاه بنشانید حتما کارشناس به ایران بفرستید تا رهبران حکومت اسلامی راه های حرفه ای آن را به

## تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده کارخانه ایستک سنندج مقابل استانداری کردستان!

کارخانه دیگر فعالیت نخواهد داشت. برزنجه افزود: تمام حقوق و مزایا و بیمه کارگران تا پایان سال ۹۴ پرداخت شده و با آنها به صورت کامل تسویه حساب شده است.

وی تصریح کرد: مسئولین کنونی کارخانه می خواستند اوایل سال گذشته کارخانه را تعطیل کنند

صفحه ۲

غیر مستقیم در این واحد تولیدی مشغول به کار هستند شعبه کردستان آن ورشکست شده و شعبه رشت آن نیز غیر فعال است.

وریا برزنجه از کارگران بیکار شده این کارخانه اظهار داشت: از ۲۰ اسفند ماه سال گذشته مسئولین کارخانه به ما اعلام کردند که پس از پایان قرارداد سال ۹۴ برای فعالیت و کار در سال ۹۵ با آنها قرار دادی بسته نخواهد شد زیرا

طی روزهای گذشته کارگران کارخانه ایستک سنندج به دلیل برکنار شدن از کار و عدم تمدید قراردادهایشان برای سال ۹۵، دست به تجمع اعتراضی مقابل استانداری کردستان زدند.

به گزارش ۱۷ فروردین کردپرس، کارخانه ایستک که دارای دو شعبه اصلی در استان های کردستان و گیلان است و بیش از ۱۵۰۰ نفر به صورت مستقیم و

## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

اعتراض مردم فوری از طرف نیروهای امنیتی حزب دمکرات و اتحادیه میهنی مورد حمله قرار می گیرد و ضمن متفرق کردن مردم از حضور خبرنگاران چندین کانال تلویزیونی نیز نه تنها جلوگیری می شود، بلکه تعدادی از خبرنگاران را مورد تهدید و اذیت و

صفحه ۶

### حمله نیروهای امنیتی به مردم معترض در شهر کرکوک!

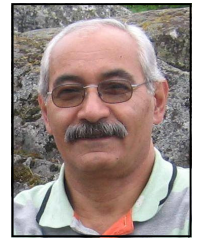
بر اساس گزارش نهاد " سنتر مترو " نهادی که از حقوق روزنامه نگاران دفاع می کند، روز دوم آوریل تعدادی از مردم محله رحیم آباد شهر کرکوک در اعتراض به دزدی و چپاول نفت شهر کرکوک دست به اعتراض می زنند.

## سنت جا افتاده روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان

است.

روز جهانی کارگر تنها روز کارگران نیست بلکه در دنیای مملو از توحش و بربریت سرمایه داری و اسلام سیاسی، روز ۹۹ درصدیها است. کارگران و تشکلهای کارگری مستقل از دولت که مدام مورد تعرض و آماج حکومت اسلامی قرار میگیرند، هر سال در اول مه این روز را زیر سرنیزه ماموران سرکویگر رژیم اسلامی برگزار کرده اند. امسال اول

صفحه ۲



عبدال کلپریان

برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر اکنون دیگر به سنتی جا افتاده در شهرهای کردستان تبدیل شده

## کیفر خواست فعال محیط زیست

برای فراوانتر کردن مبارزه در برابر نا عدالتی های موجود و جستجو برای رهایی از این وضعیت، با حزب کومله آشنا و در سطح شهر فعالیت های سیاسی را آغاز کردیم. بازداشت: به عنوان یک هسته سه نفره فعالیت های ما تا سال ۱۳۸۹ ادامه داشت، در شهریور ماه همان سال، ما برای خروج از ایران به مرز ایران-عراق رفته بودیم. به دلیل اشتباه در مکان و آدرسی که به آنجا مراجعه کردیم، هر دو دوست من در روستای مرزی (کانی میران) از سوی مأمورین امنیتی بازداشت شدند. همان شب نیروهای اداره اطلاعات به منزل پدر من یورش برده و نصف شب بدون در دست داشتن حکم بازداشت یا بازرسی از سوی دادستانی وارد منزل ما می شوند و با مشت و لگد مشغول

صفحه ۴

کیفرخواست فعال محیط زیستی وی چنین مینویسد! در هنرستان فنی قدس مریوان دیلم را گرفته و به دلیل شرایط مادی قادر به ادامه تحصیل نبودم، سال ۱۳۸۶ با مشاهده تناقضات و نابرابری میان افراد جامعه از هر لحاظ، فعالیت های من همراه دو دوست دیگرم (کیوان غلامی و توفیق راوند) در سطح هنرستان شروع شد. فعالیت ما در سه مرحله تعریف می شود. مرحله اول: از فعالیت های زیست محیطی (شرکت در کنترل آتش سوزی جنگل های مریوان پاک سازی مکان های تفریحی شهر از زباله و...) مرحله دوم: با مشاهده نقض حقوق بشر از سوی سیستم حکومتی از جمله زنجبیزی و اعدام های مداوم در زندان ها، خودجوش سعی در محکوم کردن اعمال حکومت نمودیم. مرحله سوم:

دستگیری تعدادی از کارگران مجتمع مس میدوک  
بدنبال تجمع اعتراض ۸۰۰ کارگر  
معادن مس شهر بابک

صفحه ۵

شهلا دانشفر

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۳

نسان نودینان، نسرین رضاعلی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



سه روز جهانی کارگر در ایران مصادف با روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۹۵ است و کارگران، تشکلهای کارگری و مردم تشنه رفاه و آزادی همچون سالهای قبل نمیتوانند در صفی متحد و یکدست برای اعلام کیفرخواست خود و کل جامعه در برابر حکومت اسلامی و با طرح خواستهای پامال شده شان به میدان بیایند. آنچه که در برگزاری و بزرگداشت روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان از اهمیت برخوردار است این می باشد که تشکلهای کارگری، فعالین عرصه های مختلف اجتماعی و هر انسان آزاده و برابری طلبی بدون در نظر گرفتن هر گونه تمایز فکری و نظری در صفی واحد ظاهر شوند. وحشت رژیم اسلامی و مفتخوران سود و

سرمایه از روز جهانی کارگر و هر حرکت و مناسبتی حق طلبانه این است که کل جامعه را در مقابل خود ببینند. اکنون دیگر بیش از سه دهه است که خصلت نمای بربریت سرمایه داری در سراسر جهان و مشخصا توحش رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در ایران این است که ۹۹ درصد مردم جامعه را نه تنها مورد استثمار قرار داده اند بلکه فقر و نداری غیر قابل باوری نسبت به دهه های قبل را به مردم تحمیل کرده اند. این وجه مشخصه امروز گنبدگی این نظام است و وجه مشخصه جبهه عدالت خواهی، برابری طلبی و خواست و توقعات یک زندگی انسانی ایجاب میکنند که با تمام نیرو علیه نکبت اسلامی

و سرمایه داری به میدان آید. کارگران، تشکلهای کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی بمشابه نیروهای روشنیبین و رهبری کننده در مصاف با شرایط دهشتناکی که به زندگی مردم تحمیل شده است قطعاً میتوانند رسالت خود را بعنوان یک ضرورت عینی و واقعی نشان داده و اوضاع معیشتی و فلاکتبار چندین برابر زیر خط فقر را با کاردانی، تجارب و خلاقیت های خود و با اتکا به نیروی توده ای و اجتماعی مردم عقب رانده و برای برگزاری هرچه باشکوهتر برگزار کردن یک اول مه قدرتمند و ماندگار به میدان بیاورند.

۱۸ فروردین ۹۵



مرتضی میرباقری معاون فرهنگی اجتماعی وزیر کشور: ۸۰ درصد معتادان با زیوروی شده، دوباره معتاد می شوند و ۲۵ درصد معتادان به سمت مواد مخدر پرخطر رفتنند. وقتی هروئین مذهب در کنار سازندگان و فروشندگان این مواد مخدر (دولت مذهبی) در راس حکومت قرار بگیرند هیولای

اعتیاد میلیونی در جامعه سر بلند می کند. در کنار فقر و نابرابری و نا امیدي از يك آینده روشن، مذهب را هم اضافه کنید تا غم و عزا را نهادینه کند آنگاه خواهید دید چه بلایی می شود بر سر مردم آورد. خلاصی از اعتیاد میلیونی در درجه اول به سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است.

\*\*\*

اما به هر طریقی بود برخی از مشکلات را برطرف و از تعطیلی آن خودداری کردند. این کارگر بیکار شده کارخانه ایستک که مسؤل واحد ماشین آلات کارخانه بود دلیل تعطیلی کارخانه را نبود سرمایه کافی برای تولید و نداشتن مدیریت عنوان کرد و گفت: مدیریت کنونی توان اداره کارخانه را ندارد و از پس پرداخت هزینه های آن برنمی آید و خواستار تعطیلی کارخانه شده است. وی در ادامه افزود: این موضوع سبب بیکاری ده ها نفر شده است که مستقیم و غیر مستقیم مشغول به کار بودند و هم اکنون بیش از ۱۳۰ نفر از کارگران این کارخانه در سندانج که همگی بومی هستند بیکار شده اند.

وی اظهار داشت: ما به همراه کارگران برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه به اداره کار و استانداری مراجعه کردیم که مسؤلین چاره اندیشی کنند تا از تعطیلی آن جلوگیری شود و امیدواریم بخاطر توسعه استان و اشتغال مجدد این کارگران در این راستا همکاری کنند.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کردستان اظهار داشت: آنچه سبب تعطیلی کارخانه ایستک شده است ارتباطی با وظایف و اختیارات این اداره ندارد.

احمد رشیدی افزود: ما نیز از تعطیلی کارخانه و بیکار شدن ده ها کارگر نگران و ناراحت هستیم چون تعداد واحدهای صنعتی و تولیدی بزرگ در کردستان بسیار اندک هستند و وجود چنین کارخانه هایی برای توسعه استان بسیار نیازمند و ضروری است.

رشیدی تصریح کرد: نشست هایی با نمایندگان کارگران بیکار شده داشته ایم و کارگروه رفع موانع تولید استان هم در این راستا تلاش خود را انجام داده است اما این موضوع و تعطیلی کارخانه بنا به دلایلی است که از وظایف و اختیارات ما نیست تا پیگیر باشیم. وی در پایان با بیان اینکه دلیل تعطیلی کارخانه را عدم حضور مالک و مدیر اصلی آن که در بازداشت می باشد عنوان کرده اند که پیگیری آن بر عهده قوه قضاییه است و ربطی به ما ندارد گفت: اگر موضوعاتی همچون بیمه، مالیات، مشکلات مالی، موضوعات بانکی و... غیره بود ما پیگیر بودیم و هم اکنون هم برای حق و حقوق کارگران و شروع به کار مجدد کارخانه در چهارچوب قانون برای خدمات رسانی با همراهی و حمایت مسؤلان ارشد استان حاضر به همکاری هستیم.

\*\*\*



## نگاه هفته: مجموعه اخبار و رویدادهای هفته از شهرهای کردستان



### برگزاری مجمع عمومی کارگران ساختمانی با شرکت ۶۰۰ نفر از کارگران و استادکاران!

روز سه شنبه دهم فروردین مجمع عمومی کارگران و استادکاران ساختمانی در شهرستان کامیاران برگزار شد. بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران و استادکاران ساختمانی با حضور و مشارکت خود در این مجمع عمومی به رای گیری برای انتخاب نمایندگان خود پرداختند. در پی رای گیری های صورت گرفته، ۷ تن از کارگران به عنوان نماینده انتخاب شدند.

### آزادی حسن رسول نژاد

به گزارش رسیده حسن رسول نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۱۳ فروردین بعد از گذراندن ۶ ماه بازداشت از زندان آزاد گردید. وی در ۱۹ مهرماه برای گذراندن ۶ ماه حبس به زندان بوکان منتقل شده

بود. این فعال کارگری در ۲۹ بهمن ۹۲ توسط نیروهای اداره اطلاعات بوکان بازداشت شده بود که بعد از ۸ روز با وثیقه ۴۰ میلیون تومانی آزاد گردید. حسن رسول نژاد در دادگاه بدوی به یکسال حبس تعزیری بابت عضویت در کمیته هماهنگی محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۶ ماه حبس تبدیل گردید. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریك آزادی حسن رسول نژاد، خواهان آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی می باشد. ۱۴ فروردین ۱۳۹۵

### دغدغه های کارگران اخراجی فولاد زاگرس

کارخانه ذوب آهن کردستان واقع در ۳۷ کیلومتری شمال غربی قروه این کارخانه تنهاترین کارخانه و بزرگترین واحد تولیدی این استان در ۳۰ کیلومتری چند معادن سنگ

آهن و منگنز از مرداد سال ۹۱ تاکنون متوقف می باشد. این کارخانه در سال ۷۴ به منظور اشتغال زایی و جلوگیری از خام فروشی معادن استان احداث گردید سرانجام در سال ۸۲ با بکارگیری حدود چهارصد نفر پرسنل بومی و تعدادی غیربومی با ظرفیت سالانه ۷۰ هزار تن تولید شمش چدن به بهره برداری رسید که در سالهای ۸۵ و ۸۶ جزو واحد نمونه برند کشور معرفی گردید در اواخر سال ۸۹ با تغییر مدیران بومی دچار چالش گردید و در سال ۹۱ نیز سهام شرکت ایچیدرو ۴۹٪ به سازمانهای تامین اجتماعی و بازنشستگی کشوری واگذار گردید. کوره بلند کارخانه بهانه تعمیرات در مردادماه نودویک توقف داده شد و هشتاد نفر از پرسنل همان سال به بیمه بیکاری معرفی شدند پرسنل باقی مانده تا تیرماه نودویک هشتاد در صد تعمیرات را انجام داده اما سهامداران حاضر به ادامه کار کارخانه نشدند و اقدام به اخراج کارگران نمودند این اقدام با وجود سابقه ۱۲ تا ۱۰ سال موجب نگرانی و اعتراض کارگران شد و با طرح شکایات در هیئت های اداره کار قروه بازگشت بکار کارگران بر اساس بند (دال) ماده ۲۱ قانون کار صادر شد اما سهامداران در اواخر اسفند ۹۲ انحلال شرکت را اعلام نمودند هر چند انحلال شرکت و تعیین مدیریت تسویه دلیل بر قطع

رابطه کاری نمی باشد مطابق ماده ۱۲ قانون کار کارفرمای جدید قائم مقام کارفرمای جدید می باشد اما این بار سهامداران با کمک مدیران استان و گرفتن مهلتی اندک برای واگذاری یا احیای مجدد تعداد ۲۶۵ نفر به بیمه بیکاری معرفی شدند اکنون ۲۵ ماه از استفاده بیمه بیکاری و تنها یک ماه از استفاده مقرر بیکاری باقی مانده سهامداران و مدیران استان هیچ اقدامی برای واگذاری یا احیای کارخانه نکردند و با توجه به شرایط سنی کارگران اشتغال آنان در نهادها یا ارگانهای دیگر مقدموربوده و موجب نگرانی کارگران شده است. کارگرن اخراجی فولاد زاگرس فروردین ۹۵

### آزادی علی صالحی از زندان!

علی صالحی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از سوی دستگاه قضایی حکومت اسلامی ایران به بیست سال زندان محکوم گردید. در این مدت او از هرگونه مرخصی محروم شده بود. علی صالحی از اهالی روستای "شش بید علیا" از توابع شهرستان روانسر در استان کرمانشاه می باشد. علی صالحی چند سال در زندان دیزل آباد کرمانشاه دوران محکومیت را سپری و سپس به زندان یزد منتقل شد.

### خودداری معلمان سقز از رفتن به کلاسهای درس

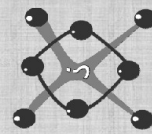
سقز - فرهنگیان به دلیل پرداخت نشدن حقوقشان از حضور در کلاسهای درس خودداری کردند فرهنگیان با توجه به پرداخت نشدن حقالزحمه غیرموظف از روز ۱۴ فروردین از حضور در کلاسهای غیرموظف خودداری کرده اند. لازم به ذکر است پرداخت حق الزحمه معلمان در سال ۹۳-۹۴ نیز هنوز پرداخت نشده است.

فرهنگیان قرار گذاشته اند در صورت پرداخت نشدن در هفته آینده تجمعی در محل آموزش و پرورش سقز برپا شود سلام تحریم حضور در کلاسها امروز سه شنبه هم ادامه داشت و مدیران مدارس هم نمیتوانند مانعی برای این عدم حضور باشند زیرا خواسته معلمان کاملاً بجا و برحق می باشد و خبر ها حاکی از دادن وعده های پوچ مبنی بر پرداخت شش ماه از معوقه پرداخت ساعات غیر موظف می باشد اما معلمان اعلام داشته اند تا زمان پرداخت از حضور در کلاسها امتناع می کنند هم چنین اخباری از هم راهی سایر نواحی و مناطق آموزش و پرورش استان کردستان برای انجام اقدامات مشابه با معلمان سقز شنیده شده است

فرهنگیان قرار گذاشته اند در صورت پرداخت نشدن در هفته آینده تجمعی در محل آموزش و پرورش سقز برپا شود.

\*\*\*

از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید  
<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>



چگونه با  
حزب کمونیست کارگری ایران  
فعالیت کنیم

WPI  
اتحادت حزب کمونیست کارگری ایران  
شماره ۱۵ - شهریور ۱۳۹۱

آدرس و شماره های تماس با حزب

تلفن تماس: 0044777999966

ایمیل: [committee.sazmandeh.wpi@gmail.com](mailto:committee.sazmandeh.wpi@gmail.com)

تلفن: 00447435562462

تلفن: 0046739681438

ایمیل: [javanan.tamas@gmail.com](mailto:javanan.tamas@gmail.com)

#### سایت ها:

سایت حزب کمونیست کارگری ایران: <http://www.wpiran.org/>  
صفحه حزب در فیس بوک: <https://www.facebook.com/wpiran>  
سایت کمیته سازمانده: <http://www.sazmandeh-wpi.com/>  
سایت سازمان جوانان حزب: <http://www.cyoiran.com/>  
سایت کمیته آذربایجان: <http://sahand-azadi.com/>  
بلاگ کمونیسم امروز: <https://communismemrooz.wordpress.com/>  
سایت حمید نقولتی: <http://www.hamidtaqvae.com/>  
برای آشنایی بیشتر با سایت کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری می توانید همچنین به سایت آرشیو آثار منصور حکمت مراجعه کنید  
<http://hekmat-public-archive.net/>

## از صفحه ۱ کيفر خواست فعال ...

ضرب و شتم خانواده‌ام می‌گردند. یکی از برادرهایم که کمتر از ۱۵ سال سن داشت را همراه پدرم بازداشت و به سلول‌های اداره اطلاعات منتقل می‌کنند. و تا هنگام دستگیری من، آن‌ها بازداشت بودند. شب بعد از بازداشت دوستانم، من هم بازداشت شدم. از مکانی که دستگیر شده بودم تا محل انتقال که اداره اطلاعات مریوان بود. من به صورتی غیرانسانی به‌وسیله مشت و لگد و قنداق اسلحه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بینیم را شکستند.

سلول‌های اداره اطلاعات (بازجویی و شکنجه). همان شب من را به سلولی بردند که فضای بیش از نیم متر نداشت. فردای آن شب من را به اتاق دیگری منتقل کردند که کمی بزرگتر بود و دارای سرویس بهداشتی بود. مکانی که پر از پتوهای کثیفی بود که آثار خونریزی دیگر بازداشتی‌ها که قبلاً آنجا بودند بر روی کف اتاق و پتوها مشهود بود.

تفهم اتهام: هیچ‌گاه به شخص بازداشتی در بدو بازداشت گفته نمی‌شود تو چرا بازداشت شده‌ای، بلکه با طرح سؤال‌هایشان در طی بازجویی از اشخاص و مکان‌های متفاوت بازداشتی درک می‌کند چرا دستگیر شده است. نمونه می‌پرسیدند آیا شما با کومله در ارتباط هستید؟ یا در مورد شرکت در اعتراضی که در برابر شهرداری نموده بودیم سؤال می‌پرسیدند. آیا در آن اعتراض شرکت داشته‌ام؟ ۸ روز گذشت و برای تفهم اتهام توسط قاضی من را به دادگاه مریوان بردند. نمی‌دانم چطور تصویر اعزام به دادگاه را بازگو کنم، به شیوه‌ای دور از کرامت انسانی، من را با یک پیژامه پاره که بند کمربند هم نداشت، در صورتی که به دست‌هایم دستبند زده بودند با یکی از دست‌هایم پیژامه را نگاهداشته بودم. من را وارد دادگاه کرده و جلوی چشم تمامی کسانی که جلوی درب دادگاه یا در ساختمان دادگاه بودند بدین شیوه من را به مدت ۲۰ دقیقه با همان وضعیت در دادگاه حرکت داده و بعد برای تفهم اتهام به اتاق قاضی بردند. برای تخریب شخصیت من میان مشاهده گران جلوی درب و

داخل دادگاه مانند یک مجرم جرائم به‌جز جرم سیاسی با من برخورد کردند. بازجویی و شکنجه: اکثر بازجوی‌ها نصف شب‌ها انجام می‌شد، بهترین لحظات زندگی من در بازداشتگاه اداره اطلاعات زمانی بود که یا دیگر از بازجویی کردن خبری نبود یا لامپ سلول من را خاموش می‌کردند. گاهی اوقات از من به‌صورت دست بند و پایبند در سلول نگهداری می‌شد. یک بازداشتی در یک سلول انفرادی و در اداره اطلاعات راهی برای فرار ندارد. دلپشان فقط آزار دادن من بود. اکثر اوقات در وقت بازجویی شدن چشم‌هایم را بسته دست‌هایم را با دستبند به‌صورت قیانی (ضربری از پشت) می‌بستند. این شیوه دستبند شدن دلپش آن بود هنگامی می‌خواستند من را مورد ضربات مشت و لگد خود قرار دهند. من قادر به‌عکس‌العمل یا مانع شدن ضرباتشان به شکم با دست‌هایم نشوم.

در روز عید فطر به دلیل اسرار و پیگیری خانواده‌ام هرچند یکی از برادرهایم را به خاطر پرسو جوی مداوم دربار من و وضعیت تهدید به بازداشت کرده بودند، ولی در روز عید اجازه داده شد با پدر و مادر ملاقاتی داشته باشم. در وقت ملاقات مادرم خواست من را در آغوش بگیرد ولی به او اجازه ندادند و به بهانه آنکه فردی مرتد وی دین هستم نباید مادرم من را در آغوش بگیرد، به مادرم می‌گفتند این پسر شما فرديست به مملکت اسلامی خیانت کرده و کافر است نباید یک کافر را در آغوش بگیری. شکنجه‌های جسمی و روحی: هرچند عضو حزب سیاسی بوده باشم ولی هرگز مسلح نبوده، برای آنکه اقرار به مسلح بودن نمایم مرا مورد شکنجه دادند، دومین دلیل شکنجه‌ها برای این بود از کسانی که فعالیت سیاسی دارند اسم ببرم. روی قلب، دست‌ها و کمر و اندام‌های حساس بدن به‌وسیله سیگار سوزانده شده که آثارش هنوز هم وجود دارد و زیبایی ظاهری من را برای همیشه نابود کرده است. هنگام بازجویی لباس‌های من را از تن بیرون آورده دست‌هایم را به‌صندلی که روی آن نشانده، می‌بستند و شروع به

سوزاندن بدن می‌کردند. یا به‌وسیله سیم کابل مرا می‌زدند. گاهی اوقات من را به سلولی می‌بردند که کف پوشش سیمان بود و ساعت‌ها با پای‌برهنه مرا آنجا نگه می‌داشتند. سرمای شدید تمام بدنم را فرامی‌گرفت به خاطر این نوع آزار دادن، دچار بیماری واریس شده‌ام. یا ناگهان درب سلول می‌آمدند و می‌گفتند مادرت مرده است. این هم شیوه‌ای از شکنجه‌های روحی‌شان بود. سه ماه در در اتاقکی کوچک بوده، و هیچ‌وقت اجازه استفاده از هواخوری به من داده نشد. من و دو دوست دیگر (کیوان غلامی - توفیق راوند) را هنگام انتقال به زندان، میان ملاقات‌کنندگان با چشم‌پند راهی سلول زندان مرکزی مریوان کردند. آنجا متوجه شدم؛ که در حین بازداشت دست توفیق راوند را شکسته و او را مورد آزار و اذیت فراوان قرار داده، و حتی برای درمان دست‌شکسته‌اش هیچ اقدامی نکرده بودند. دوست دیگرم (کیوان غلامی) برای اقرار به اتهامات، به‌وسیله وزنه سنگین که به بیضه‌هایم وصل کرده بودند مورد شکنجه قرار داده بودند. "کیوان" قریب دو ماه در زندان هم قادر به کنترل ادرار خود نبود و این نوع شکنجه باعث اختلالاتی در سیستم دفع ادرار وی شده بود. هنگام انتقال از اداره اطلاعات به زندان ما را تهدید کردند نباید در زندان برای زندانیان تعریف کنید که این چند ماه بازداشت در اداره اطلاعات، چطور سپری شده است. (منظور بازگو کردن شکنجه‌ها) اگر چنین عملی از سوی شما روی بدهد. بازاش همان آش است و کاسه همان کاسه.

تجاوز در سلول اطلاعات: کسی را می‌شناسم که در سلول اطلاعات مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود. به دلیل رسانای نشدن نام وی، از او اسمی نمی‌برم. این فرد شخصی بود به اتهام عضویت در حزب دمکرات بازداشت‌شده و مدت ۶ ماه مورد شکنجه قرار گرفته بود، بعد از ۶ ماه چون هیچ دلیلی برای اثبات اتهام وجود نداشت اقدام به آزاد کردن وی نمودند ولی قبل از خروج او را مورد تجاوز جنسی قرار دادند.

منتقل کردند. در بدو ورود من و دو دوست دیگرم را به سلول انفرادی زندان بردند و دلیل آنکه ما را به داخل زندان نبرده چنین ذکر می‌کردند که احتمال دارد به اطلاعات سندج منتقل شوید. سه روز را در سلول بوده که ما را به بند معتادین (قرنطینه) منتقل کردند و بعد از یک هفته که آنجا بودیم ما را به بند جوانان انتقال دادند. دربند جوانان چیزی به اسم تفکیک جرائم وجود نداشت. بند جوانان را بیشتر جوانان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌داد و اتهام اکثر آن‌ها مصرف و فروش مواد مخدر و سرقت بود (جوانانی که باید در حال تحصیل باشند به دلیل نبود وضعیت مالی مناسب و دیگر علت‌ها در زندان به سر می‌پرند).

تجاوز جنسی دربند جوانان: دور از چشم ما به‌عنوان زندانی سیاسی ولی به گوشمان می‌رسید که دربند جوانان، جوانانی بودند که از لحاظ سیمای زیبا یا سنشان کمتر بود. با توجه به آنکه مسئولین زندان خبر داشتند. مورد تجاوز جنسی قرار داده می‌شدند. اکثر افعال‌ها و کیل بند یا مخبر زندان بودند. و کیل بندها و مخیرها که از تجاوزهای آن‌ها چشم‌پوشی می‌شد. به‌صورتی نانوخته همکار مأمورین زندان بودند. کارکنان زندان برای مخبر متجاوز مواد و سیگار تهیه می‌کرد برای فروش در داخل بند و یک شریک المنفعه محسوب می‌شدند. پس در ازای منفعت مادی از هر عمل و کیل بند چشم‌پوشی صورت می‌گرفت.

جشن پتو برای زندانی تازه‌وارد: با ورود فرد بازداشتی جدید به بند جوانان توسط گروهی که با هماهنگی کارکنان زندان اقدام به جشن ورودی برای زندانی می‌کردند. با ورود بازداشتی یک یا چند پتو را روی سر زندانی جدید انداخته و از سوی دیگر زندانیان مورد ضرب و شتم وحشتناکی قرار می‌گرفت. قاعدتاً پتو اندازی هم برای این بود که فرد مضروب توسط زندانی جدید دیده نشود و متوجه نشود از کجا ضربه می‌خورد. گاهی اوقات بازداشتی‌های به اتهام دوستی با یک دختر بازداشت می‌شدند. و با دستور افسرنگهبان، مراسم جشن پتو برایشان اجرا می‌شد.

جلسه دادرسی: چندین بار برای بازپرسی به دادگاه برده شدیم؛ و برای

ما وثیقه ده میلیون تومانی قرار داده بودند. تا به‌صورت موقت تا ختم پرونده و صدور حکم نهایی در بیرون از زندان باشیم. ولی این قرار وثیقه واقعی نبود و حتی برای تأمین وثیقه خانواده‌ام اقدام کردند. ولی به از سوی دادگاه به آن‌ها گفته شده بود. ده میلیون سهل است حتی اگر پانصد میلیون هم وثیقه بگذارید آزادی به قید وثیقه صورت نمی‌گیرد. پس معلوم شد صدور قرار وثیقه نمایشی بوده است.

جلسه دادرسی در دادگاه انقلاب مریوان: من و دو دوست دیگرم (کیوان غلامی و توفیق راوند) را به دادگاه برده و به‌صورت جداگانه جلسه محاکمه انجام شد. در جلسه دادگاهی که منع از گرفتن وکیل شده بودیم، وقتی خواستم در برابر اتهامات از خود دفاع کنم. قاضی گفت شما محارب هستید ولی به شما ارفاق شده و شما به ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم می‌شوید. در دادگاهی که (۲ دقیقه) بیشتر طول نکشید بدون وکیل بدون دفاع محاکمه شدم و وقتی گفتم اتهامات را قبول ندارم در جواب من گفت نیازی به تأیید یا رد شما نیست مرجع صالح خودمان اتهامات شما را تأیید کرده است. بعد از یک ماه حکم من و دوستانم در زندان به ما ابلاغ شد و هرکدام به ۶ سال و ده ماه حبس تعزیری محکوم شدم. وقتی حکم از سوی افسرنگهبان به من ابلاغ شد به حال خودم گریه کردم، قریب به ۷ سال زندان چرا؟ و تنها امیدمان به اعتراض به حکم و لغو حکم صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر بود. در دادگاه تجدیدنظر به ما اجازه داده شد از حق وکیل استفاده نمایم. حکم هریک از ما به چهار سال حبس تقلیل و قطعیت یافت.

اعدام زیر ۱۸ سال: یک زندانی نوجوان که در سن کمتر از ۱۸ سال مرتکب قتل شده بود (آمانج ویسی). حال به ۱۸ سال رسیده و برای اجرای حکم به زندان مرکزی سندج انتقال داده می‌شد. وقتی که او را می‌پرند. با فریادهایش دل همه زندانیان را به درد آورد. می‌گفت به خانواده مقتول بگویید من سن کمی داشته که این عمل را مرتکب شدم هرچند با توجه به قانون باید قصاص شوم. ولی بدانند با مرگ صفحه ۵

## کیفر خواست فعال... از صفحه ۴

دستگیری تعدادی از کارگران مجتمع مس میدوک  
بدنبال تجمع اعتراض ۸۰۰ کارگر معادن مس شهر بابک

شہلا دانشفر

با شروع سال جدید کارگران اعتراضات خود را برای پیگیری خواسته‌هایشان از سر میگیرند، روز ۱۵ فروردین ۸۰۰ کارگر پیمانکاری های معادن مس میدوک و چاه فیروزه در حرکت اعتراضی هماهنگی در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و شرایط نابرابر مزدی خود با دیگر کارگران قراردادی موسوم به "۲۴۳۰" که به درجه ای شرایط بهتری دارند، در مقابل درب ورودی مجتمع میدوک تجمع کردند. بدنبال این تجمع اعتراضی ۱۵ کارگر از شرکت پیمانکاری مسبین، چاه فیروز و اولنگ در معادن مس مجتمع میدوک بازداشت شدند. بنا بر خبر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی

کارگران معادن مس شهر بابک قبلا نیز در رابطه با وضعیت قراردادهایشان تجمعات اعتراضی داشتند و به آنها وعده رسیدگی به خواسته‌شان و تغییر وضعیت قراردادهايشان داده شده بود. اما به این وعده عمل نشد. اخبار اعتراضات کارگران معادن مس شهر بابک را وسیعا انعکاس دهیم و حمایت خود را از این کارگران و کارگران بازداشتی مجتمع مس میدوک اعلام کنیم.

۱۷ فروردین ۹۵

بر اساس شکایتی که از سوی کارفرما شده است، حکم بازداشت این کارگران را صادر کرده است. خامنه ای در پیام نوروزی اش سال ۹۵ را سال "اقتصاد مقاومتی، اقدام، اجرا" خواند و دستگاه قضایی در کنار کارفرمایان با بازداشت کارگران معترض در منطقه شهر بابک زنگ شروعش را به صدا در آورد. اعتراضات کارگران در برابر این تعرضات ادامه دارد. کارگران ضمن شهر بابک ضمن پیگیری خواسته‌هایشان، خواستار آزادی فوری همکارانشان هستند.

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره‌هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه‌هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون یاد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده یاد سوسیالیسم!  
زنده یاد حزب کمونیست کارگری!

جواب میگویند داخل شهر است. وقتی این خبر به من رسید. بلافاصله از ترس شکنجه و زندان از کشور خارج شدم.

جمعیت حقوق بشر کوردستان

می‌کنند، هنگام ورود مأمورین در منزل ما فقط مادر و خواهر کوچکم حضور داشتند. مادرم توسط مأمورین از راه پله هل داده شده و دستش را می‌شکنند و راهی بیمارستان می‌شود. از خواهرم می‌پرسند برادرت کجاست او هم در

نمودم همراه موجی که در سطح شهر در جریان بود. از سوی اداره اطلاعات چندین بار تهدید شدم که در هیچ کاری شرکت ننمایم. بعد از هشدارها، یک روز که من در منزل نبودم مأمورین برای بازداشتم به منزل ما رفته و تمام منزل را زیرورو

محاكمه شوید زیاد است. درخواست ملاقات با خانواده و تحقیر از سوی افسرنگهبانی: ملاقات با خانواده از حقوق اولیه يك زندانی است. يك بار درخواست ملاقات نمودم که با واکنشی که پر از تحقیر شخصیتی من مثل يك زندانی سیاسی بود روبرو شدم. برای اجابت درخواست. افسرنگهبانی به من پیشنهاد داد باید دستشویی‌های افسرنگهبانی را تمیز کنم تا بتوانم از این ملاقات استفاده نمایم. از کار کردن ابایی نداشته ولی برای آنکه من را تحریب کند که برای يك ملاقات برده‌وار در خدمتشان باشم این من را آزار می‌داد. برای از بین بردن روحیه مبارزاتی هر کاری انجام می‌دهند. تا از خود و از زندگی کردن بیزار شوید. و من هرگز تقاضای ملاقات نکرده و نتوانستم خانواده‌ام را ببینم. آزادی از زندان و دلایل خروج از ایران: ۱۳۹۳/۵/۱۸ بدون هیچ عفو ۴ سال محکومیت خود را در زندان به اتمام رسانده و آزاد شدم. وقتی از درب زندان بیرون آمدم لمس آزادی آرزوم بود با پای پیاده مسیر زندان تا منزل را پیمایم. ولی قدرت فیزیکی آن را نداشتم که این مسیر را پیاده گام بردارم، چون زندان فضای برای ورزش نداشت و من ۴ سال را از هر نظر ساکن زیسته بودم. از نظر روانی دچار فراموشی و حواس پرتی شده بودم. یکنبار که از چراغ قرمز که نباید می‌گذشتم و با صدای بوق ماشین‌ها متوجه قرار گرفتن در زمان و مکان اشتباه شدم. برای بازگشت به روال عادی زندگی زمان زیادی لازم است تا اثرات شکنجه‌ها کم شود و تو هرگز نخواهی توانست مثل يك انسان عادی جامعه دوباره زندگی کنی، اما در مورد مشغول شدن بکار برای يك زندانی سیاسی مقدر نیست یا لااقل کار برایش کمیاب می‌شود. نه جواز کسب، نه مشغول شدن در اداره‌ای، حال به‌صورت کارگری هم باشد. و حتی خواستم ادامه تحصیل دهم ولی مانع شدند.

فعالیت‌های مدنی بعد از خروج از زندان و خروج از ایران: اردیبهشت ۱۳۹۴ برای دفاع از کویانی و محکوم نمودن حمله تروریستی به روزنامه فرانسوی شارلی، شروع به تبلیغات بر ضد اسلام ستیزه‌جو

من هیچ دردی التیام نمی‌یابد. بختیار معماری زندانی سیاسی محکوم به سه بار اعدام: وقتی او را در زندان مریوان دیدم. متوجه آثار شکنجهای که بر وی مانده بود شدم. هنگامی که پای صحبت را با وی گشودم از شکستگی دست‌وپاهایش گفت و از آن تلخ‌تر حکم سه بار اعدام، من مثل يك جوان که تاکنون چنین چیزی را نشنیده بودم برای اعدام وحشتناک بود ولی سه بار اعدام، برایم قابل فهم نبود. از این می‌گفت من هرگز انتهایم را (تورر) که به من نسبت داده‌اند مرتکب نشده‌ام.

کمک خیرین به زندانیان: خیرین شهر در اعیاد مذهبی برای کمک به زندانیان مبلغی را به زندان می‌دادند تا برای خانواده زندانیان صرف شود یا به شیوه هدیه به خانواده آنها داده شود. زندانی سیاسی از دریافت این کمک مستثنا بودند.

بهداشت و غذای زندان: اکثر زندانیان و بخصوص يك زندانی سیاسی اهل شهر کامیاران به اسم رامین (انتهام عضویت در پژاک) در برابر يك وعده غذایی که آورده بودند به وجود مو و سرد بودن غذا اعتراض نمودند، غذا قابل خوردن نبود، وقتی که اعتراض به افسرنگهبانی رسید مسئول حفاظت اطلاعات زندان (رحمت الله نوروز) به داخل بند آمد و میان آن همه زندانی، رامین را مورد خطاب قرار داده و قابله غذا را بر روی سر وی ریخت. و تمامی زندانیان را تهدید کردند هر شخصی اعتراض نماید. برایش پرونده اختلال در نظم زندان ساخته و از سوی دادگاه حکمی تعزیری برایش در نظر گرفته می‌شود. و زندان هم تمامی ملاقات و مرخصی و... آن شخص را ممنوع و به سلول انفرادی انتقالش می‌دهد. از ترس این تهدید اعتراض‌ها فروکش نمود.

ماه رمضان در زندان، روزه‌خواری از حبس تا اعدام: همه زندانیان بلااستثنا باید روزه می‌بودند. هر زندانی که روزه‌خواری می‌کرد به اتهام روزه‌خواری به دادگاه فرستاده شده و حکمی جدید برایش صادر می‌شد. اگر در زندان هم بگوید به این چیزها اعتقاد ندارم احتمال آنکه به جرم مفسد فی الارض

## از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

آزار قرار می دهند. گزارش این نهاد می افزاید که تنها در سال ۲۰۱۵ صد و چهل و پنج شکایت را دریافت کرده اند که در مجموع آنها ۱۷۴ مورد تعرض به خبرنگاران صورت گرفته. لازم به ذکر است که احزاب حاکم بر اقلیم کردستان در ۲۴ سال گذشته دهها نفر از کمونیستها، فعالین کارگری و اجتماعی، خبرنگاران و مردم معترض را به قتل رسانده اند و کارنامه سیاهی در نقض آزادیهای فردی و اجتماعی بر جای گذاشته اند.

## مذاکرات اتحادیه میهنی و جنبش گوران برای اتحاد دوباره!

بر اساس گزارشهای منتشر شده، اخیراً جنبش گوران که چندین سال پیش به رهبری نوشیروان مصطفی از اتحادیه میهنی انشعاب کرد، پروژه ای را به اتحادیه میهنی ارائه داده تا بتوانند در چهارچوب آن با هم نه تنها همکاری نزدیک داشته باشند، بلکه ممکن است دوباره با هم اتحاد کنند و گوران باز هم به اتحادیه میهنی بپیوندند. در همین راستا روز یکشنبه سوم آوریل برهم صالح معاون دوم اتحادیه میهنی نیز در لندن با نوشیروان مصطفی رهبر جنبش گوران ملاقات کرده. بهرحال گرچه جنبش گوران یا (جنبش تغییر) از اتحادیه میهنی با این استدلال انشعاب کردند که گویا مسئولین اتحادیه میهنی مشغول دزدی و چپاول هستند و اینها قرار است جنبشی برای تغییر و معرفی و شناسائی دزدان و چپاولگران باشند، اما همگان شاهدند که اینها نیز جز غرولندهای متعارف بخشی از بورژوازی حاکم چیزی برای مردم اقلیم به ارمغان نیاوردند و اختلافات کنونی شان با حزب دمکرات و دولت اقلیم

کردستان نیز بر سر چگونگی تقسیم قدرت و سهم خواهی از دزدی و چپاولی است که حاکمین و بویژه حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی مشغول آند.

## افزایش ساعات برق عمومی به مردم!

روز یکشنبه سوم آوریل امید احمد مسئول برق عمومی اقلیم کردستان طی سخنانی اعلام کرد که در ماه آوریل برق عمومی را از ده ساعت به ۱۵ ساعت در شبانه روز می رساند. احمد گفت " ما برای تامین ۲۴ ساعت برق اقلیم کردستان احتیاج به سه هزار و ۳۰۰ مگاوات برق نیازمندیم". لازم به ذکر است که با وجود درآمد سرشار از فروش نفت هنوز هم مردم اقلیم کردستان بعد از ۲۴ سال از بسیاری از امکانات ابتدائی زندگی و از جمله آب و برق ۲۴ ساعته محرومند.

## اعتراض دانشجویان دانشگاهی در اربیل!

بر اساس گزارشهای منتشر شده، روز یکشنبه سوم آوریل دانشجویان دانشگاه خصوصی لبنانی فرانسوی شهر اربیل در اعتراض به ممانعت تعدادی از دانشجویان در رفتن به دانشگاه دست به اعتراض زدند و یکی از خیابانهای این شهر را بستند. گزارشها حاکیست که این دانشگاه خصوصی روز سوم آوریل از ورود دانشجویانی که شهریه ترم چهارم خود را پرداخت نکرده بودند جلوگیری می کند و دانشجویان در اعتراض به این تصمیم روسای دانشگاه دست به اعتراض می زنند و خیابان شصت متری شهر اربیل را برای مدتی مسدود می کنند.

## دستگیری یکی از افراد مهم داعش در اطراف کرکوک!

بر اساس اطلاعاتی ای از انجمن امنیت اقلیم کردستان، شب ۲۹ ماه مارس در مرز کرکوک حویجه یکی از افراد بلندپایه داعش به اسم مالک رفعت خلف دستگیر شده. این اطلاعاتی می افزاید که فرد مذکور مسئول چندین عملیات تروریستی در منطقه کرکوک بوده و طی یک عملیات تعقیب و مراقبت جدی از سوی نیروهای امنیت این شهردستگیر شده.

## اظهارات وزیر آموزش و پرورش اقلیم کردستان!

روز شنبه دوم آوریل پشتیبانان صادق وزیر آموزش و پرورش اقلیم کردستان در جمع دهها تن از مدیران مدارس ابتدائی و راهنمایی استان اربیل ظاهر شد و در باره مسائل و مشکلات معلمان سخنانی ایراد کردند که در بخشی از آن گفت که "متأسفانه فرهنگی درست شده که می توان آنرا به فرهنگ نبود دیسپلین و احترام نگذاشتن به همذیکر نام برد، این فرهنگ در چهارچوب دمکراسی و در چهارچوب کردی جای ندارد" در بخش دیگری از سخنانش صادق گفت " معلمان باید با وجدانی زنده به اوضاع بنگرند". لازم به ذکر است که معلمان اقلیم کردستان ماههاست حقوقی دریافت نکرده اند و در چندین ماه گذشته بارها و بارها دست به اعتراض و مبارزه و بایکوت مدارس زده اند که هنوز هم در بخشهای از اقلیم کردستان این اعتراض و مبارزه ادامه دارد و سخنان وزیر آموزش و پرورش بیشتر خطابش به معلمان مبارز و آزادیخواهی است که در دفاع از حقوق ابتدائی خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند و گفتن نبود فرهنگ دیسپلین در میان معلمان، یعنی خاتمه دادن به اعتراض و مبارزه به حق بر سر دستمزدهای به تعویق افتاده حکومتی که سرائش مشغول دزدی و چپاول غیر قابل باور و اکثریت مردم کارکن جامعه باید تن به بی حقوقی تحمیل شده از جانب این دزدان و چپاولگران باشند.

\* \* \*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900 Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانی با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیری:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdulgolparian1@gmail.com



# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!